

**MARVEL**

**#3**

**LEMIRE  
DEODATO  
MARTIN**

# THANOS



دورنامه  
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوود



# THANOS

**MARVEL**

**#3** VARIANT EDITION



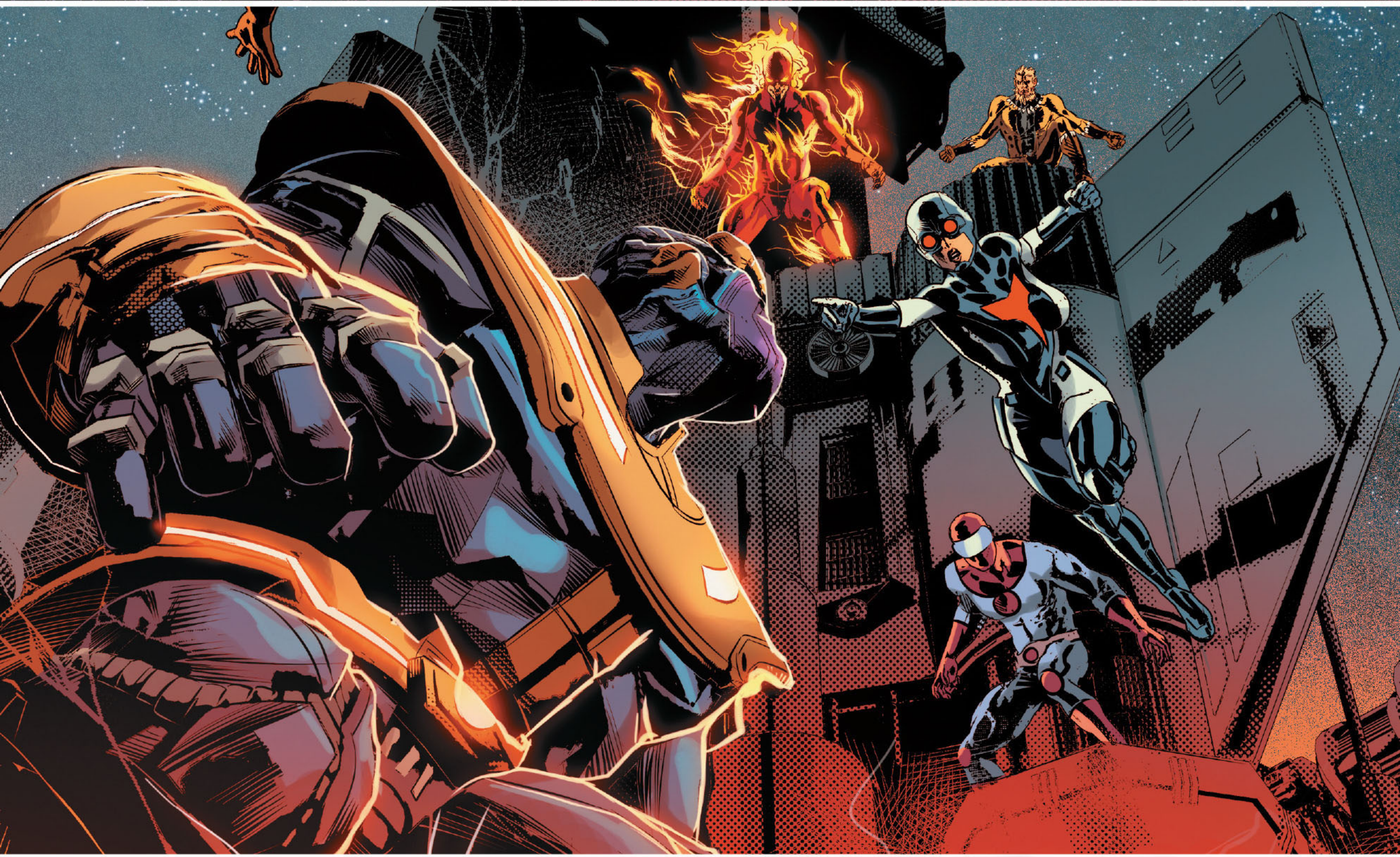
2016  
AB  
150701

7 59606 08622 1 00321 PARENTAL ADVISORY \$3.99US DIRECT EDITION MARVEL.COM



عطش او برای قدرت او را می دارد تا کنترل جهان را به دست بگیرد.  
او تایتان دیوانه است. نام او ...

# THANOS



تانوس جایگاه خود به عنوان فرمانده بلک کوادرنانت را پس گرفت، ولی تاج و تخت را رها کرد تا مراکز درمانی در سراسر جهان را برای یافتن درمان بیماری اش جستجو کند.

او که برای یافتن درمان بیماری اش به هر چیزی متصل می شود، در بخش علمی گیلگرت نزد پدرش منتور رفت که دانشمندی بزرگ است. تانوس پدر خود را کشت. پس از آن نگهبانان سلطنتی شیار برای مأموریتی غیر ممکن وارد شدند: دستگیری تانوس.

**JEFF LEMIRE**  
writer

**MIKE DEODATO**  
artist

**FRANK MARTIN**  
color artist

**VC's CLAYTON COWLES**  
letterer

**DEODATO & MARTIN**  
cover artists

**PAT BRODERICK & CHRIS SOTOMAYOR**  
variant cover artists

**KATHLEEN WISNESKI**  
assistant editor

**DARREN SHAN**  
associate editor

**JORDAN D. WHITE**  
editor

**AXEL ALONSO**  
editor in chief

**JOE QUESADA**  
chief creative officer

**DAN BUCKLEY**  
publisher

**ALAN FINE**  
exec. producer



## دکتر آوریوس تایتان

آشنای دوران کودکی.

من می شناسمش؟  
این سؤال شماست؟  
اینو می خواهید  
بدونید؟

می شناختمش  
درسته. خیلی وقت پیش.  
هر دو ما بچه بودیم.

ولی باید بگم با بقیه فرق داشت. هرگز  
مثل بقیه بچه های تایتان نبود. همیشه  
یه وصله ناجور بود. متفاوت بود. یه جور  
دیگه حرف می زد. البته پدرش دانشمند  
بزرگی بود...

این مسئله رو  
اکثر مردم نمی تونند  
بپذیرند. یه روز اون هم یه  
پسر بچه معمولی بود. قبل از  
اینکه تبدیل بشه به "تابودگر دنیاها"  
یا "تایتان دیوانه". اون وقت ها یه  
پسر بچه عادی بود مثل بقیه.

پس، ممکنه اون  
کودکی عادی داشته  
باشه ولی خیلی زود به یه  
هیولا تبدیل شد.

حتی در این شرایط هم فقط یه  
پسر ساده بود. ما با هم بازی می کردیم.  
با هم درس می خوندیم. و بعد، همونطور  
که سنمون بالاتر می رفت چیزی  
در او تغییر کرد.

سردتر شد  
حتی از بقیه بیشتر فاصله  
گرفت. وقتی به گذشته نگاه  
می کنم کتوجه می شم که از همون  
وقت بود که کشتن رو شروع  
کرد.

زیاد نگذشت  
که مادرش به طرز بدی  
کشته شد. بیچاره  
سوئی-سان...

بچه ها مفقود  
می شدند. تحقیقات  
هیچ اثری از جرم رو کشف  
نکرد. ولی الان... همه چیز  
واضحه... ثانوس اون  
کارها رو انجام می داد.

ازم می پرسی که  
اونو می شناسم؟ بله. می شناسم.  
از بچگی می شناسمش. ولی  
اون دیگه یه پسر بچه نیست.  
نه...

من تایتان  
رو وقتی هفده سالم  
بود برای تحصیل ترک  
کردم. کل خانواده ام در  
تایتان موندند.

پس وقتی ثانوس به تایتان  
برگشت من اونجا نبودم. وقتی  
خونه من و هر چیزی که توش بود  
ویران کرد، من اونجا نبودم.

روزهایی  
هستند که ...  
روزهایی هستند که  
آرزو می کنم ایکاش  
مونده بودم.



امپراطوری شیبار از زمان تأسیس تاکنون به  
ناوگان بزرگ و هنگ های بزرگ جنگجوهایش  
افتخار می کرده.

گارد ویژه سلطنتی در اوج قدرت نظامی  
خود قرار داره. گروهی از موجودات  
دارای قدرت متناهی افرادی که از دنیاهای  
مختلف به استخدام اون در اومدند.

"اون خود  
پلیدیه."

خود پلیدی؟ شاید. ولی  
از یه چیز مطمئنم. ثانوس  
احتمالاً ترسناک ترین موجود  
در جهان هستیه...

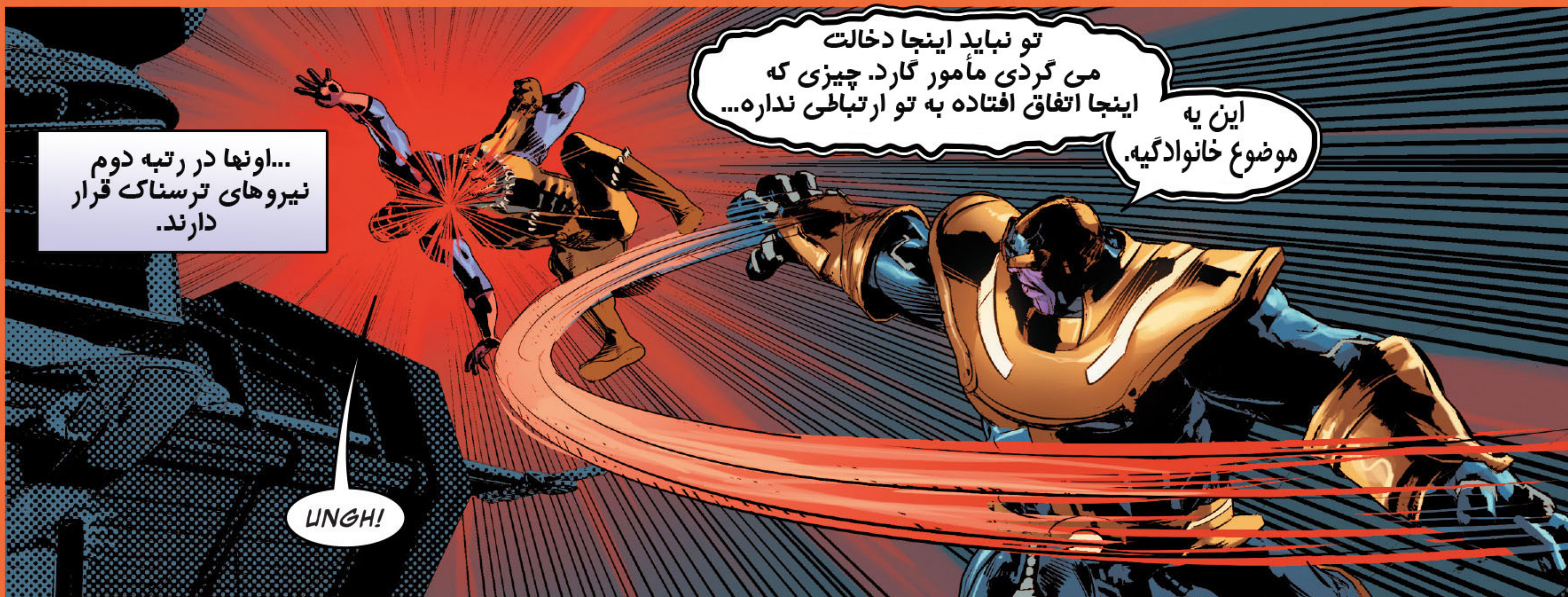
...ولی حتی گارد سلطنتی  
شیبار هم بعد از اون قرار دارند.

فنگ،  
تو با منی.  
زمین گیرش  
کن!

حتماً اسمش.  
این کارو بهتر  
از هر چیزی  
بلدم.

ولی همونطور  
که گفتیم...





این‌یه  
موضوع خانوادگیه.  
تو نباید اینجا دخالت  
می‌گردی مأمور گارد. چیزی که  
اینجا اتفاق افتاده به تو ارتباطی نداره...

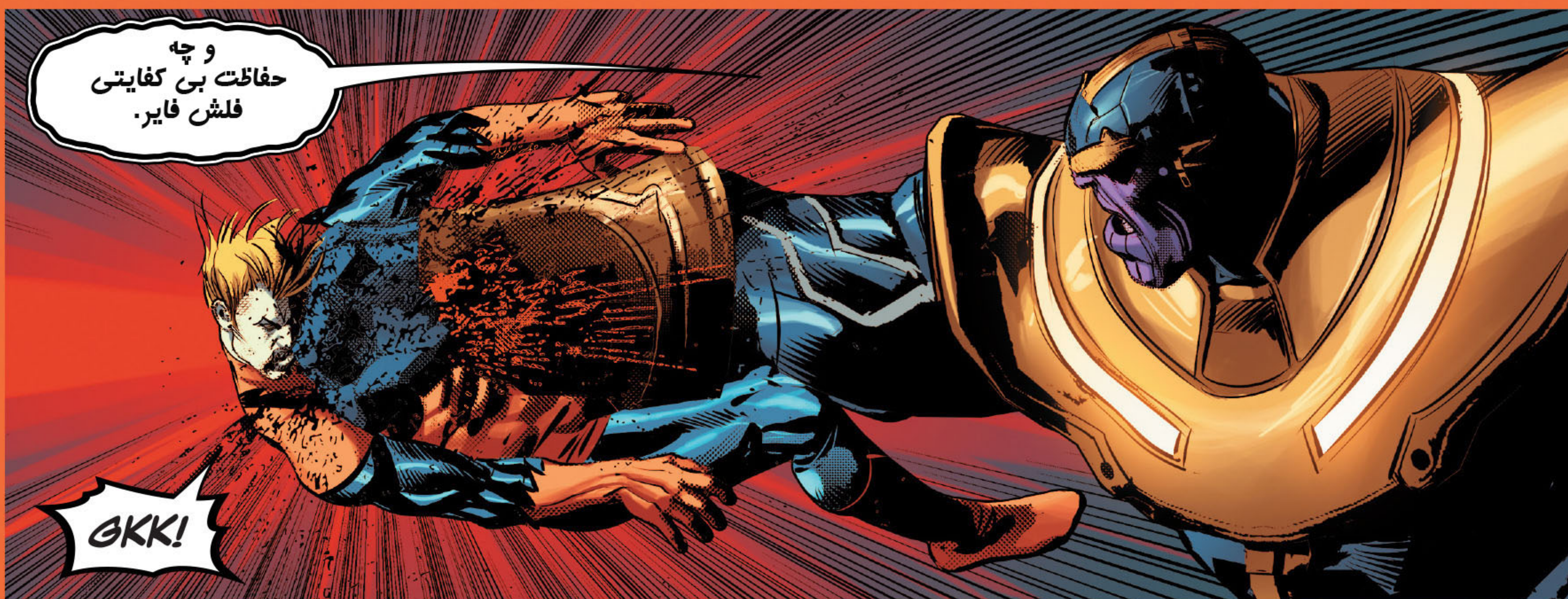
...اونها در رتبه دوم  
نیروهای ترسناک قرار  
دارند.

UNGH!



**SHRACK**

اشتباه می‌کنی  
تایتان دیوانه! این قمر  
در فضای شیار قرار داره. این  
تاسیسات تحقیقاتی تحت  
حفاظت ماست!



و چه  
حفاظت بی‌کفایتی  
فلش فایر.

GKK!



من به شانس دیگه  
بختون می‌دم که عقب نشینی  
کنید. به شانس برای نجات  
خودتون.

ن-نکنه  
همینجاست  
...ثانوس...





فقط...  
ما نیستیم.

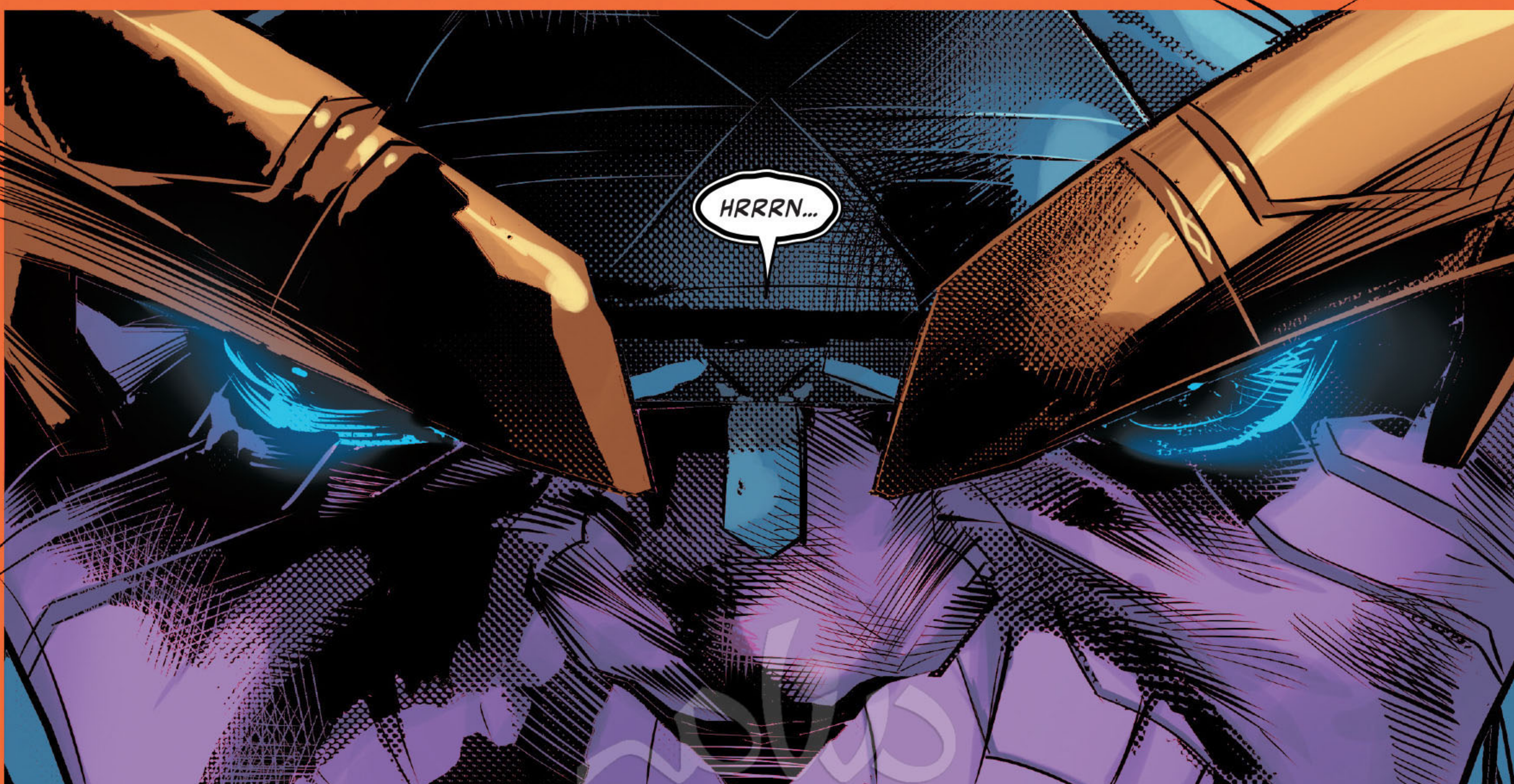
هاه؟



فقط اونها نیستند. ببین اعضای  
دیگه ای از گارد ویژه سلطنتی هم  
هستند.



اعضای خیلی  
بیشتر.



HRRRN...



## سریک ون

مأمور نجات. اولین کسی که در صحنه کشتار تایتان حاضر شد.

اینکه اسم کشتار روی این رویداد گذاشتند حق مطلب رو به جا نمیاره، درست؟

یعنی کل قمر رو نابود کرد.



بذارید واقعاً چیزی که اتفاق افتاد بگیم. ثانوس مرتکب نسل کشی شد.



من و افرادم خیلی زود به اونجا رسیدیم چون تو منظومه تایتان بودیم. چند تا از کارگران معدن رو که مجروح شده بودند، داشتیم منتقل می کردیم. ولی هیچکدوم از ما هیچ ایده ای از اتفاقی که افتاده بود نداشتیم.



هیچ راهی برای متوقف کردن ثانوس وجود نداشت. یعنی ما فقط یه گروه پزشکی بودیم در مقابل اون چه کاری از دستمون برمی اومد؟



ناگهان سنسورهای ما به هم خوردند. به ما گفته شد که یک سفینه جنگی به سمت ما نزدیک می شه. نمی دونستیم چه اتفاقی داره می افته.

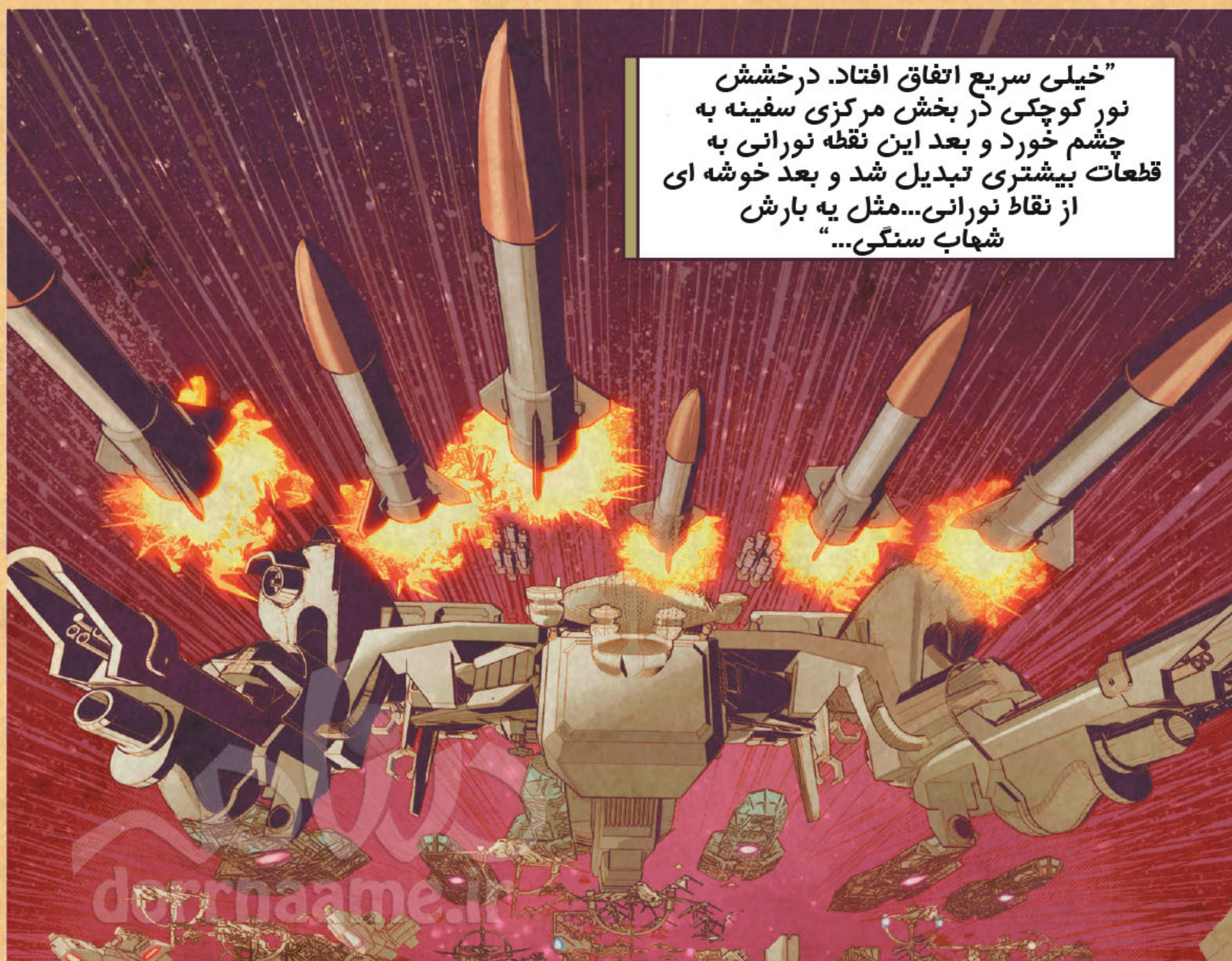
اتفاق بعدی این بود که سفینه اون سرعت از کنار ما رد شد. داشت مستقیم به سمت تایتان می رفت.



تا اون موقع در مورد ثانوس چیزهایی شنیده بودیم. همه شنیده بودند. ولی فکر می کنم کسی نمی دونست اون تا چه حدی خطرناکه.



”خیلی سریع اتفاق افتاد. درخشش نور کوچکی در بخش مرکزی سفینه به چشم خورد و بعد این نقطه نورانی به قطعات بیشتری تبدیل شد و بعد خوشه ای از نقاط نورانی...مثل یه بارش شهاب سنگی...”



یک دقیقه طول کشید تا متوجه بشم چه اتفاقی افتاده. انگار مغزم نمی خواست قبول کنه. اونها شهاب سنگ نبودند...





”...اونجا بمب  
بودند.“



به محض اینکه  
موج انفجار فروکش کرد، و  
جریان جوی به حالت اولش  
برگشت، به سمت تایتان حرکت کردیم.  
نمی دونم توقع انجام چه کاری رو از خودم  
داشتم. حدس می زدم که می تونم به  
بازماندگان کمک کنم.



بازماندگان...  
چقدر ساده بودم.



الان هر تماس اورژانسی که با من  
گرفته می شه دیگه مضطربم نمی کنه.  
چون الان می دونم با بدترین صحنه ها  
هم اگه مواجه بشم، در مقایسه با بلایی  
که ثانوس به سر تایتان آورد، هیچه.





اون تایتان دیوانه است. اون قاتل  
دنیاهاست. اون ثانوسه.

و به نظر می رسه که  
به در دسر افتاده.

دارمش!  
جرم بدتم رو تا حد خیلی زیادی  
متراکم کردم! نمی تونه این وضعیت رو  
بیش از این تحمل کنه!

گاردتو پایین  
نیار نیوترون!

سرت به کارت  
باشه! داریم راجع به  
ثانوس صحبت  
می کنیم.

نمی تونید یک  
به یک اونو شکست بدید.  
همه باید با هم باشید و  
قدرت هاتونو ترکیب  
کنید!



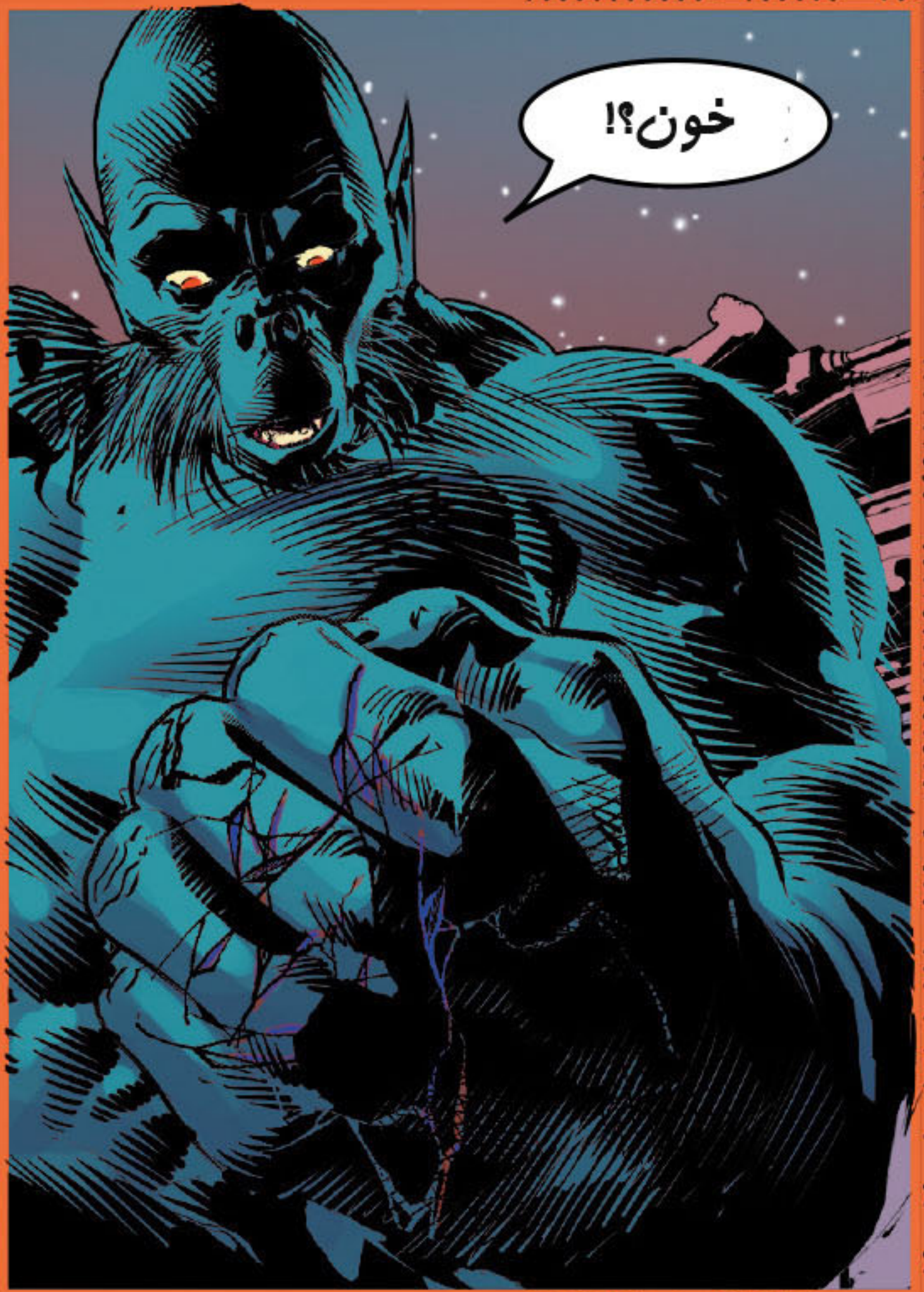




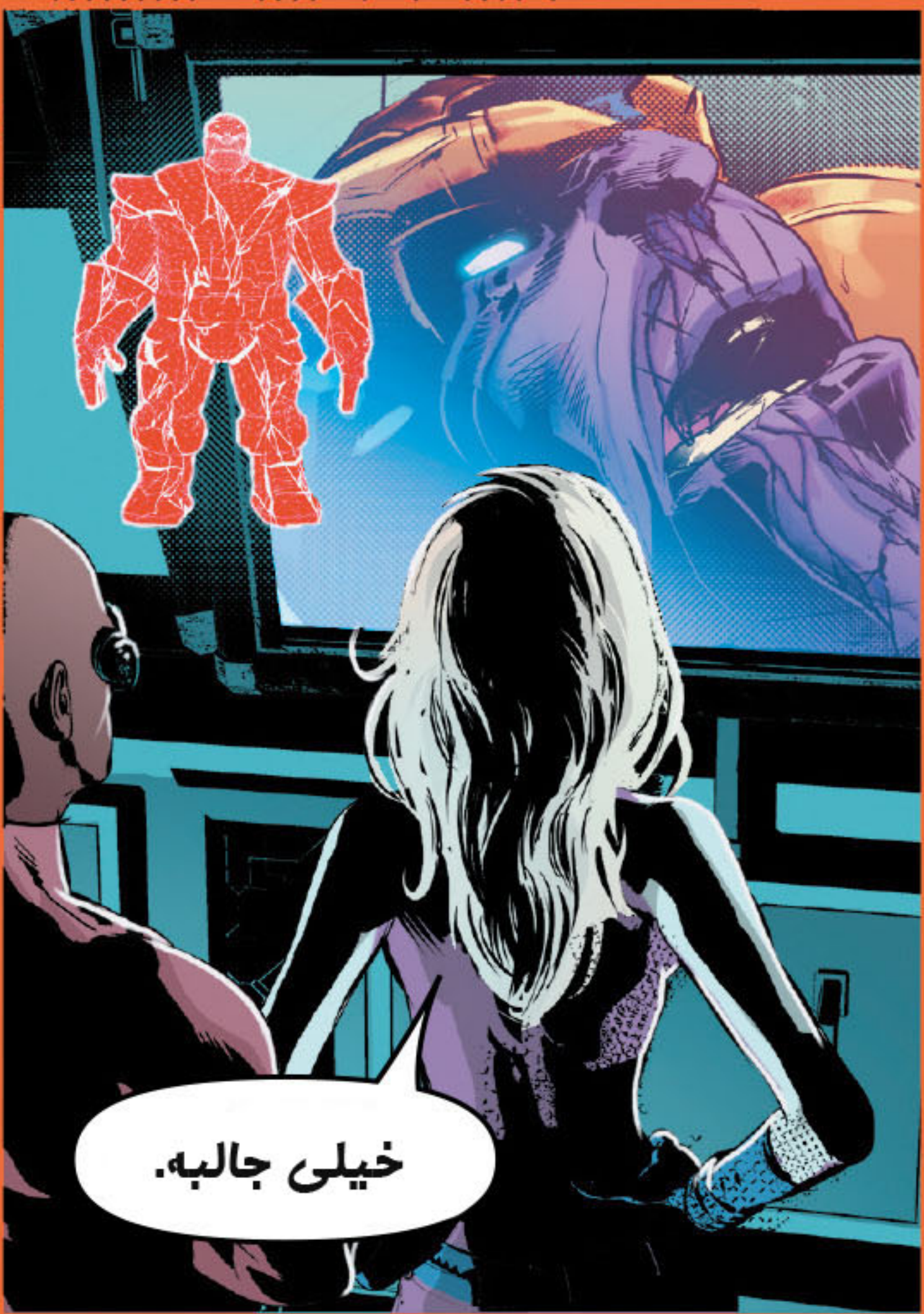


SHRACK

لازم نیست  
دوبار بهم بگی  
اسمشرا!



خون؟!!



خیلی جالبه.



داره  
خونریزی می کنه.  
وقت سومین موج  
حملاته.



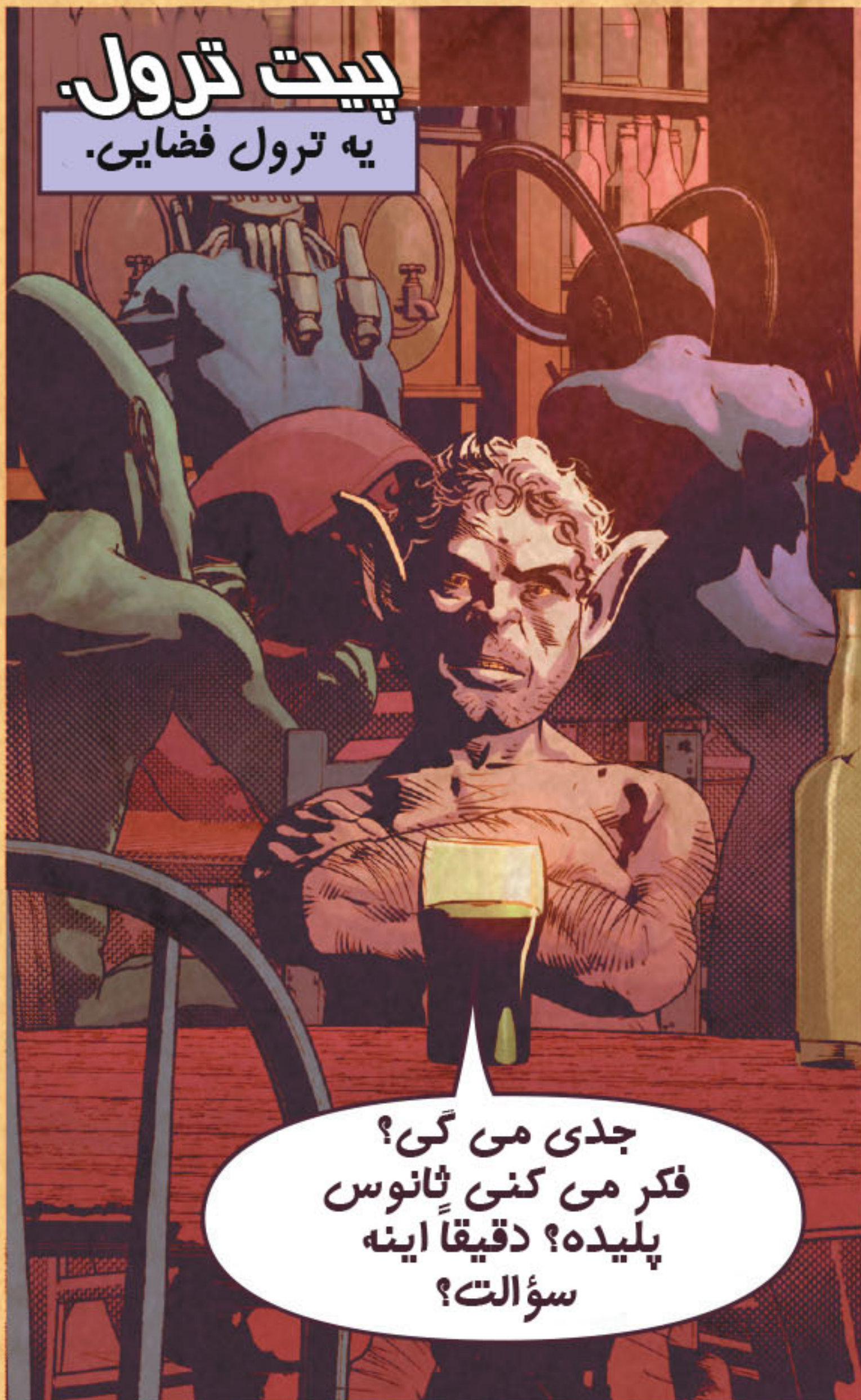
شنیدم.  
سومین موج  
شروع شد.





# پیت ترول

یه ترول فضایی.



جدی می گی؟  
فکر می کنی ثانوس  
پلیده؟ دقیقاً اینه  
سؤالته؟

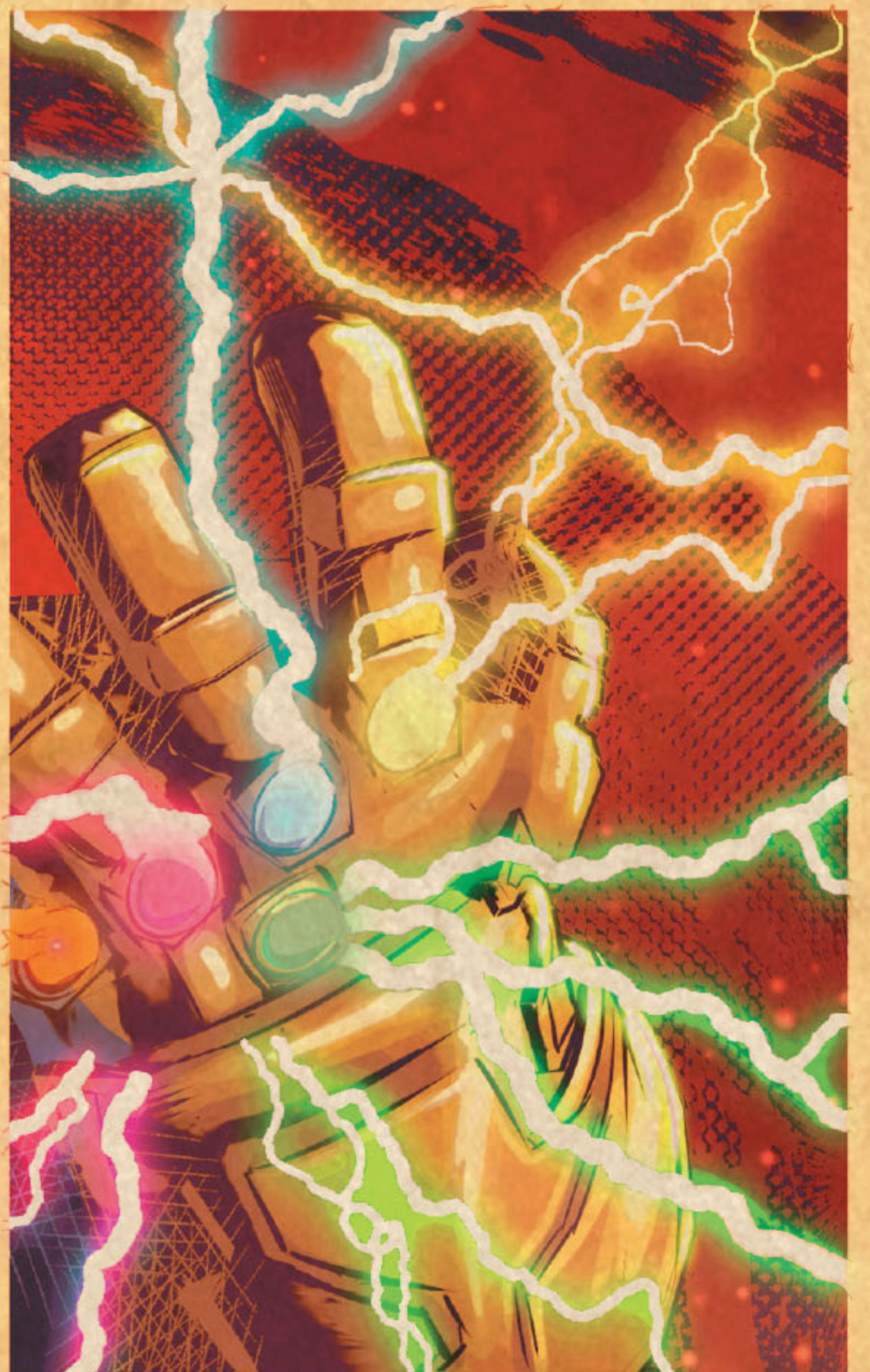
اون  
نصف مردم دنیا  
رو از بین برده!



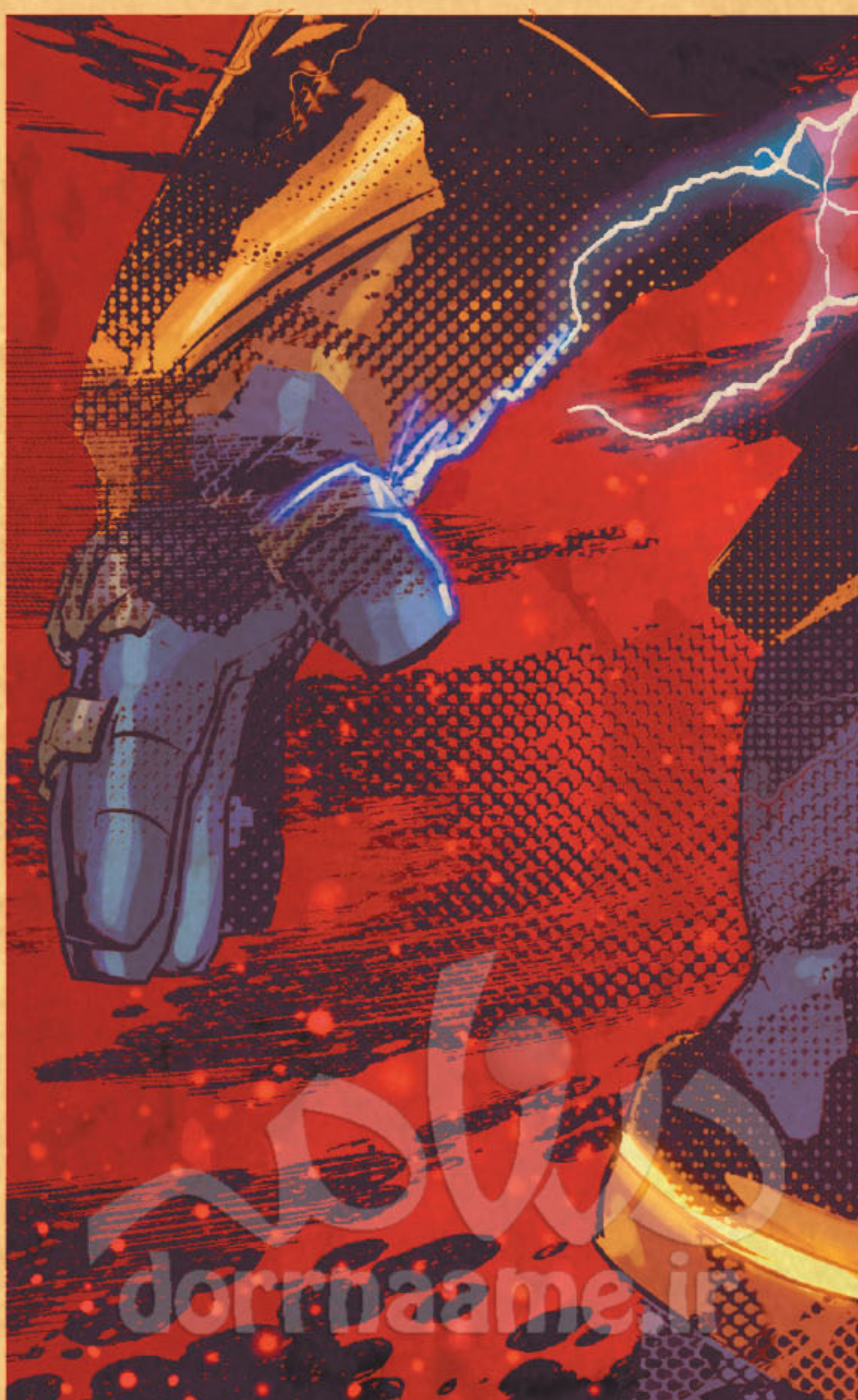
نصف مردم  
دنیا. نصفه!  
دیگه چی  
باید بگم!؟



”می دونم هنوز خیلی ها  
شک دارند که این اتفاق  
افتاده یا نه، ولی من بهتون  
می کم. من اونجا بودم.



”ثانوس سنگ های  
بینهایت رو بدست آورد.  
همشونو. بذار بهت بگم...  
کاری که بعدا کرد کاملاً  
واقعیت داره.“



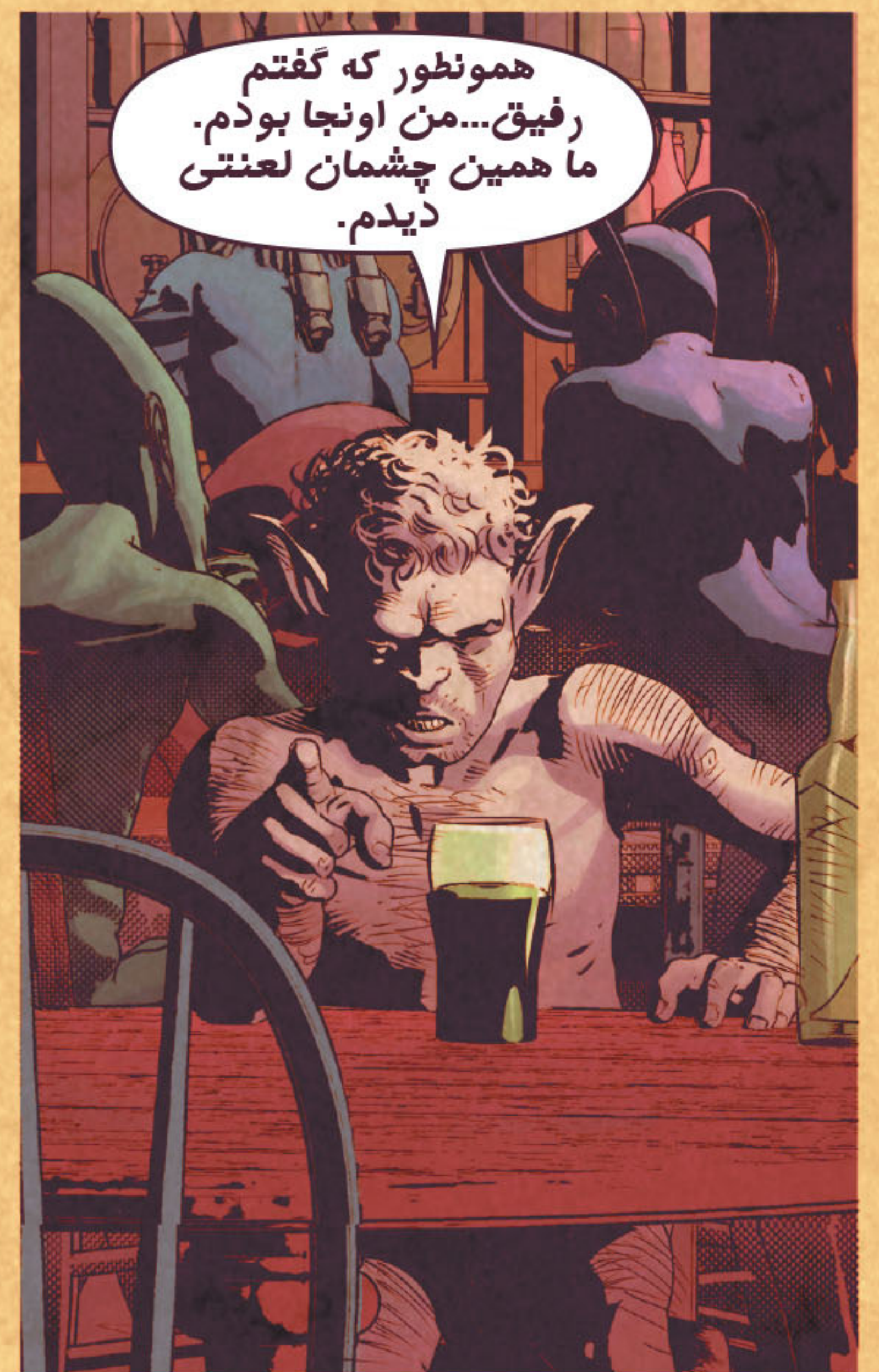




اون به عنوان هدیه  
به بانوی مرگ نیمی از جمعیت  
جهان رو از بین برد.



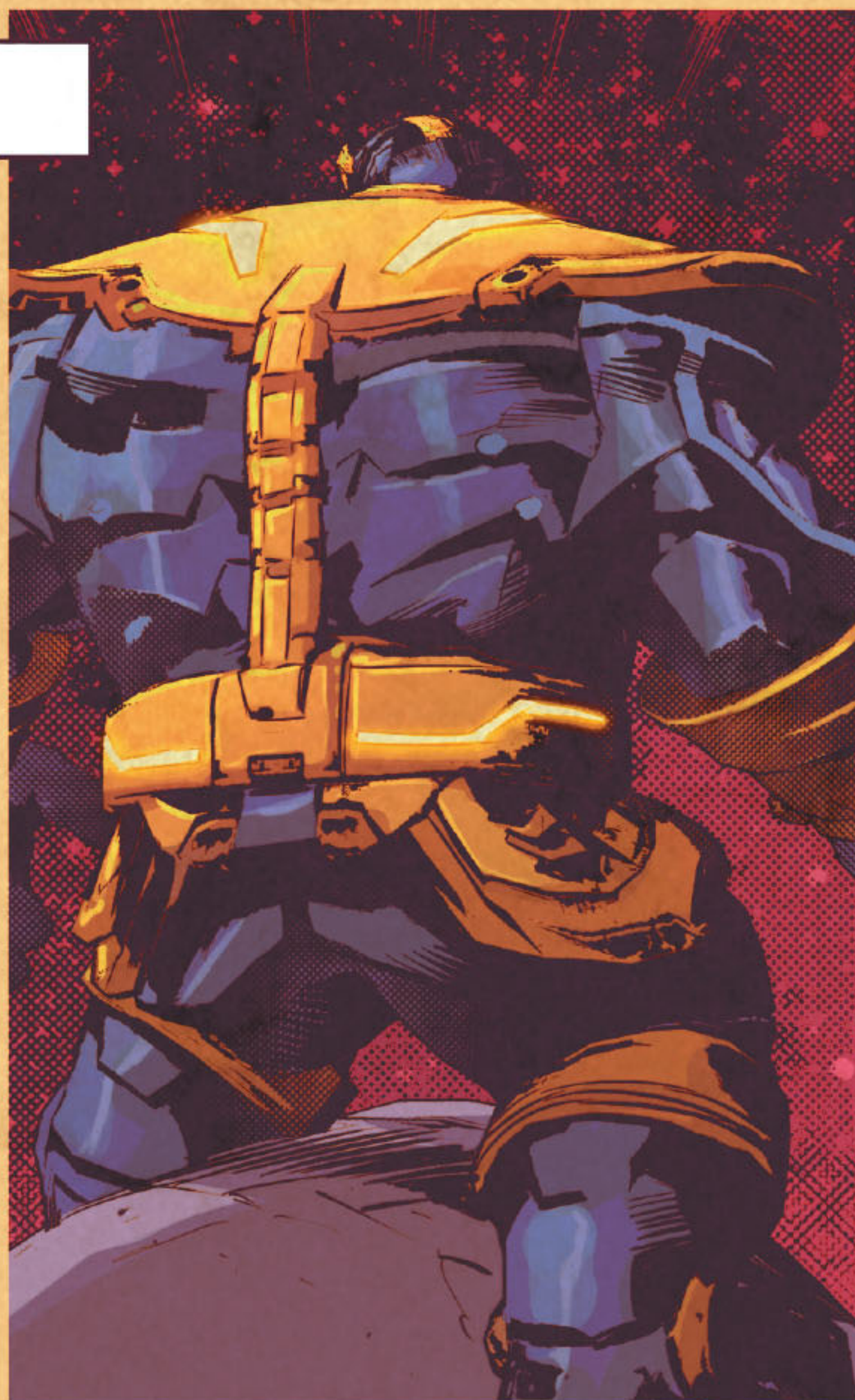
الان می دونم چی می خواهی بگی.  
"که همه چیز به جای او اوش برگشت." و بگی  
"این به حساب نمیاد. آدم های خوب برنده  
شدند. و خسارت هایی که با سنگ های بینهایت  
وارد کرده بود، جبران شدند."



همونطور که گفتم  
رفیق... من اونجا بودم.  
ما همین چشمان لعنتی  
دیدم.



"آره، آره... آدم های خوب برنده شدند.  
اکثر مواقع همینطور، درست می کم؟"



ولی آیا این موضوع از میزان پلیدی  
کاری که ثانوس کرد، کم می کنه؟  
نه، نمی کنه.

اگه از من بپرسی  
می کم اون پلیدیترین موجود  
جهان هستی.

آیا این  
جواب سؤالاته؟



متأسفم قربان،  
اینجا سیگار کشیدن  
ممنوعه.



اایییی...  
دنیا به کجا رسیده؟



در سوی دیگر کجکشان ثانوس  
ممکنه این سؤال رو از خودش  
پپرسه که واقعا چی شده.

من...  
من فکر می کنم که  
داریم شکستش می دیم!  
انگار واقعا قراره  
شکستش بدیم!

دستت رو  
بکش کنار. شما مورچه های  
بی مقدار نمی تونید  
منو تحقیر کنید.  
من سیاره ها  
رو با خاک یکسان  
کردم!

خدایان  
رو کشتم!

**CRACK**

**ARRGHHH!**

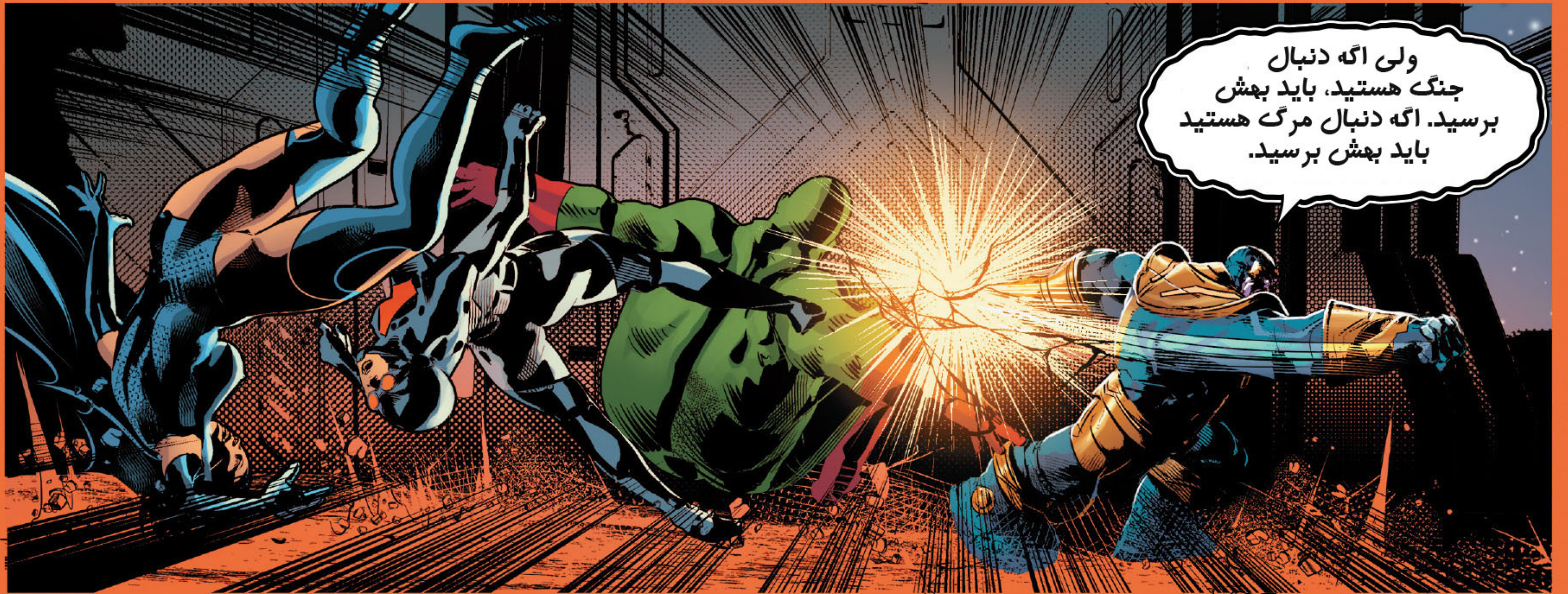
من...  
ثانوسم!

UH-OH.





من اینجا دنبال پدرم اومدم. دنبال جنگیدن نیستم. امروز قرار نیست کس دیگه ای بمیره.



ولی اگه دنبال جنگ هستید. باید بهش برسید. اگه دنبال مرگ هستید باید بهش برسید.



اوراگل! کنترل اوضاع داره از دست خارج می شه.

باورم نمی شه از اولش هم چیزی تحت اختیار شما بوده باشه. بهت گفته بودم... این ثانوسه.



مراقب لحن صحبت کردنت باش اوراگل! الان وقت استفاده از سلاح بزرگه.



## گلادیاتور

گلادیاتور اعظم گارد ویژه سلطنتی



این تغییر  
THAT THINGS  
HAS BEEN A BLIGHT  
ON THE ENTIRE UNIVERSE  
WORLD-WIDE CROSS  
UNDERSTATEMENT.

در تمام مدتی که در گارد سلطنتی  
و به عنوان افسر ارشد مشغول خدمت  
بودم هیچ موجودی رو ندیدم که به اندازه  
تایتان دیوانه مرگ و خرابی و آشوب  
ایجاد کنه.



ولی... همونطور که همه می دونیم  
جهان هستی جای پیچیده ایه.  
و سیاست بر عقل سلیم  
غلبه می کنه.



اگه به من بود  
مدت ها پیش باید همه  
تفاوت هاشونو کنار می داشتند  
و با هم برای نابودی ثانوس  
متحد می شدند.

خوب، حالا این موضوع به من  
ربط پیدا می کنه. ثانوس اشتباه بزرگی  
در اینجا در مرزهای شیار مرتکب شده.  
الان در حوزه من قرار داره.



البته من متوجه هستم که موضوع  
به این سادگی ها نیست. ثانوس  
قدرت زیادی داره، و یک آدم  
بی سروپای عادی نیست.



ولی...

اوراکل می گه شرایط تغییر  
کرده. حسگرهای اون در پیکر ثانوس  
چیز متفاوتی رو پیدا کردند...  
یه نقطه ضعف.



الان باید  
فشار وارد کنیم  
و تئوری اونو  
تست کنیم.



قربان، اوراکل  
منو فرستاد بهتون  
بکم شروع شد.  
الان زمان مناسبیه.



عالی شد.  
الان وقتشه ببینیم  
که تایتان دیوانه  
می شکنه یا نه.







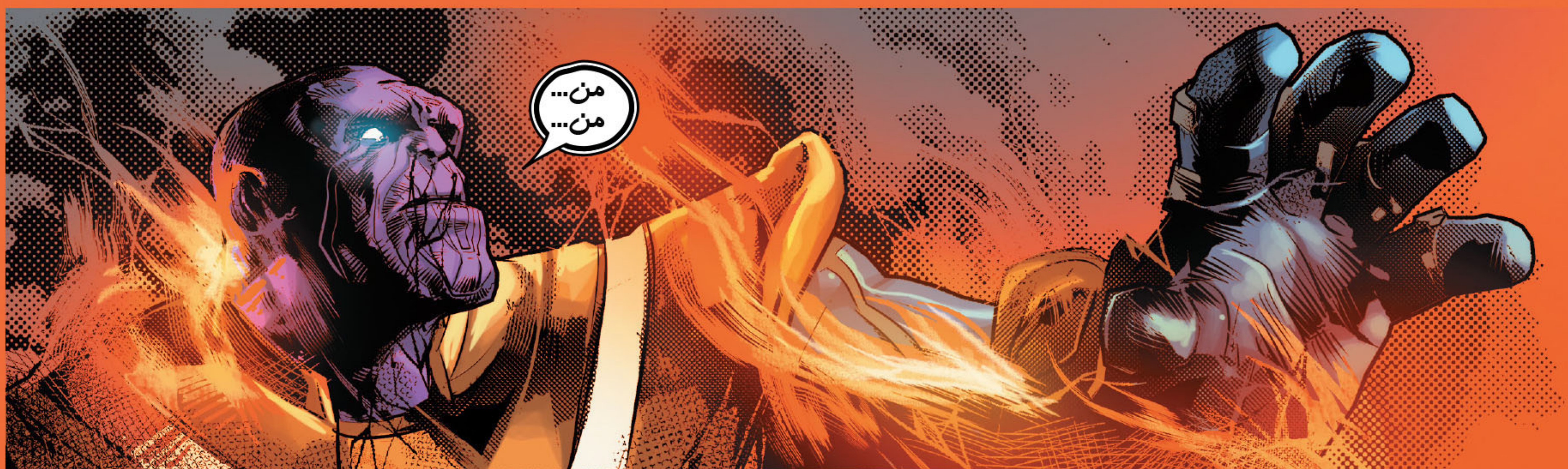
شنیدی اورا کل ؟  
وقت استفاده از سلاح  
بزرگه.



شنیدم. دارم  
روش کار می کنم. فعلاً شما  
به ترس خودتون غلبه کنید.  
هر طور می تونید کنترل گارد و  
ثانوس رو بدست بگیرید.



شنیدید چی گفت!  
بزنیدش! همه شما..  
حالا!



من...  
من...



کافیه!





تو.

آره.

Large stylized multi-colored letters, likely representing a sound effect or a title.



ثانوس  
تایتان...!



...تو الان زندانی  
امپراطوری شیبار  
هستی.



بلندش  
کنید و ببریدش  
زندانی.



**ادامه داردا!**

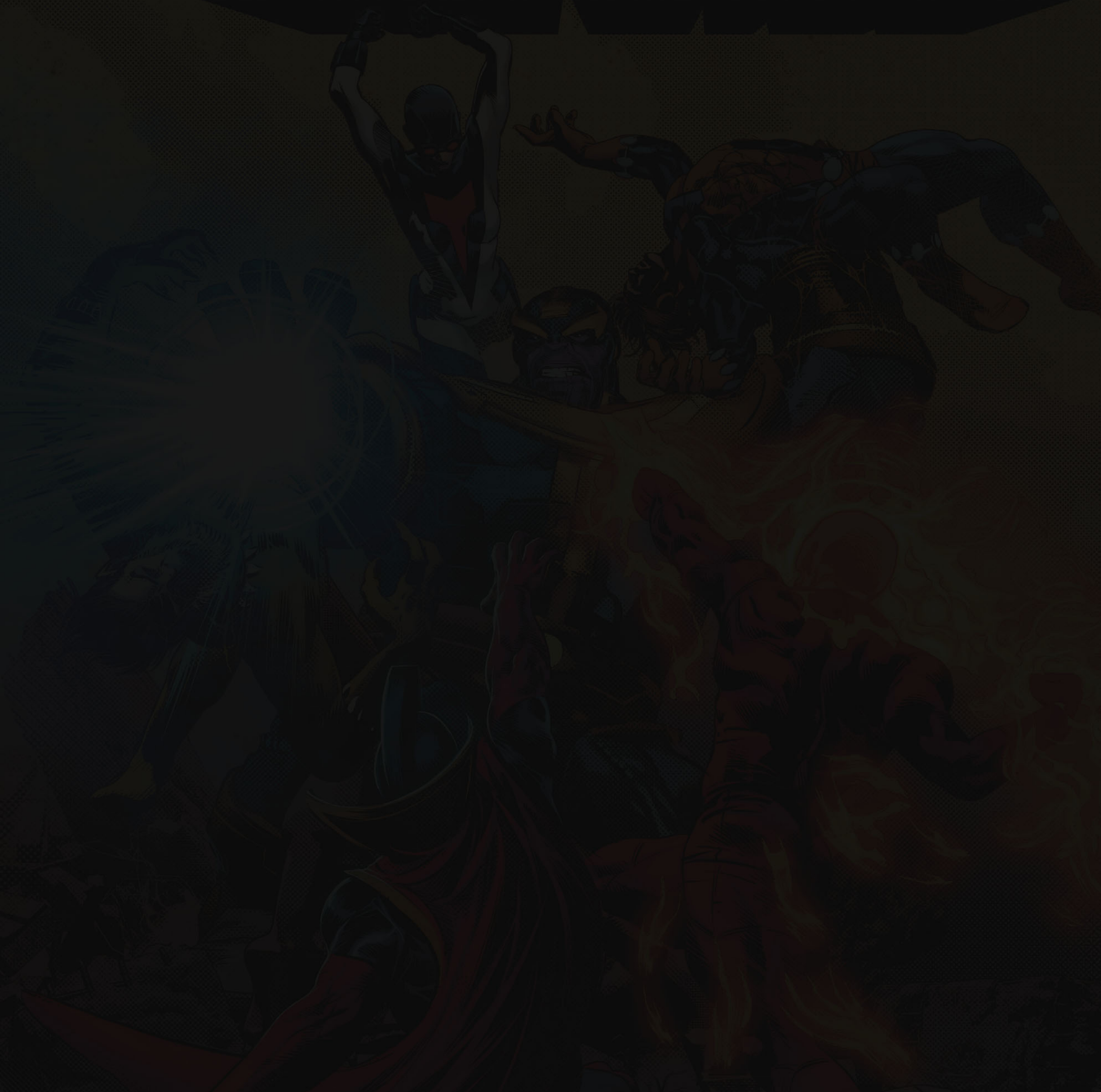


MARVEL

#3

LEMIRE  
DEODATO  
MARTIN

# THANOS



دورنامه  
dorrname.ir  
مرجع کمیک های فارسی